



نام خانوادگی و نام : محمدصادقی، شاهین

تاریخ و محل تولد : ۱۳۴۲ ، کازرون

حوزه انتخابیه و استان : کازرون ، فارس

آراء مأخوذه درصد : $\frac{۵۶}{۱۷۷۵}$ ۴۲/۲۴ %
کل آراء $\frac{۱۳۴}{۴۰۹}$

تاریخ و مرحله انتخاب : ۸۲/۱۲/۱ ، اول

تاریخ تصویب اعتبارنامه : ۸۳/۳/۱۲

نماینده‌ی دوره‌ی هفتم مجلس شورای اسلامی.

میزان تحصیلات : علوم حوزه / علوم جدید : — / فوق تخصص

جراحی پلاستیک و ترمیمی

آشنایی با زبان‌های خارجی : انگلیسی

شغل قبل از نمایندگی : معاون سازمان پزشکی قانونی کشور .

پرونده انتخاباتی

در اجرای ماده(۶۸) آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی اعتبارنامه

جناب آقای شاهین محمد صادقی از حوزه‌ی انتخابیه‌ی کازرون که پس از

انجام مراسم تحلیف، در جلسه روز پنجشنبه مورخ ۱۳۸۳/۳/۷ به این شعبه

ارجاع گردیده بود، در جلسه مورخ ۱۳۸۳/۳/۱۲ شعبه مورد رسیدگی قرار

گرفت و به اتفاق آراء تأیید گردید. اینک گزارش آن جهت طرح در

مجلس تقدیم می‌گردد.

رئیس شعبه(۱۱۹) - سید محمدتقی محصل همدانی

رئیس - از آقای شاهین محمد صادقی درخواست می‌کنیم قیام

بفرمایند. با عنایت به اینکه اعتراضی نسبت به اعتبارنامه آقای شاهین محمد

صادقی از حوزه انتخابیه کازرون به شعبه واصل نشده، اعتبارنامه ایشان

تصویب می‌شود.^۱ (تکبیر نمایندگان)

نطق پیش از دستور

بسم الله الرحمن الرحيم

با سلام به پیشگاه مقدس ولیعصر امام زمان و نایب برحقش حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (حضار صلوات فرستادند) و با درود به روح مطهر و ملکوتی زهراى مرضیه و امام راحل و ارواح طیبه شهداء اسلام. ریاست محترم مجلس شورای اسلامی، برادر بزرگوار جناب آقای دکتر حداد عادل، اعضای محترم هیأت رئیسه مجلس! احتراماً نظر به ضیق وقت و اهمیت موضوع، مطالبی را به اختصار در ارتباط با شیوه اداره و کار مجلس و نیز طرح‌ها و لوایح وارده معروض می‌دارم:

۱- در حالی که معضلات عمده کشور یعنی بیکاری، تورم، اعتیاد، ضعف مدیریت، عدم نظارت، افسارگسیختگی‌های اقتصادی و خصوصاً فرهنگی، حیف و میل بیت‌المال، تجمل‌گرایی و اشرافی‌گری، عدم تأمین امنیت مطلوب، عدم توجه به عدالت اجتماعی و بهره‌سرسام‌آور بانکی به ابزاری در دست دشمنان انقلاب اسلامی تبدیل شده است، جای نگرانی بسیار است که چندین جلسه مجلس به موضوع کم‌ارزشی مثل چگونگی تأمین ابزار نمایندگی اختصاص می‌یابد.

۲- اجازه ندهید مجلس هفتم دچار روزمرگی شده و بجای ورود به موضوعات اساسی، فراگیر و مهم وارد بررسی مطالب جزئی، کم‌اثر و مقطعی گردد. درگیر شدن مجلس و نمایندگان آن در بحث‌ها و مجادلات غیرضرور باعث از دست رفتن فرصت‌ها که چون ابردرحال گذرند خواهد شد.

۳- با دعوت از صاحبان فکر و برنامه، چه از بین نمایندگان و چه

خارج از مجلس (خصوصاً از طریق مرکز پژوهش‌ها) میدان را برای شکوفایی افکار بلند و اندیشه‌های خلاق و ارائه طرح‌ها و لوایح گره‌گشا باز نماید.

۴- پس از تشخیص و تبیین، عناوین موضوعات مهم را به عنوان خوراک فکری در اختیار کمیسیون‌های تخصصی قرار داده و از آنها جهت بررسی جامع و ارائه راه‌کارهای مناسب در راستای رهنمودهای رهبر معظم انقلاب برای حل مشکلات کشور استمداد بجوید.

۵- ارائه طرح‌های متعدد، اگرچه نشانه حساسیت و دلسوزی نمایندگان مردم است، اما هرگز شاخص مناسبی برای ارزیابی توانمندی و کارایی مجلس نیست. یقیناً اگر در این (۴) سال به عدد انگشتان دست‌ها مشکلات اساسی کشور ریشه‌یابی و برطرف گردد، بخش عظیمی از اهداف نظام اسلامی تحقق خواهد یافت.

۶- در راستای موارد فوق اجازه می‌خواهم اشاره‌ای مختصر به یکی از موضوعات بسیار مهم جامعه بنمایم. براساس ماده (۴) برنامه چهارم توسعه، قیمت سوخت و بنزین تا سقف قیمت کشورهای حاشیه خلیج فارس افزایش خواهد یافت که اثرات تورمی آن بسیار سنگین خواهد بود. پیشنهاد می‌نمایم از هم‌اکنون همکاران عزیز برای حفظ پشتوانه مردمی انقلاب اسلامی و توجه به حقوق اقشار جامعه، افکار خویش را معطوف اصلاح این ماده نموده و با ثابت نگهداشتن قیمت بنزین در سال ۸۴ به مبارزه جدی و پایه‌ای با پدیده نحس تورم قابل پیش‌بینی بپردازند.

۷- علی‌رغم همه نگرانی‌های فوق، اینجانب افق عملکرد مجلس هفتم را با همین هیأت رئیسه یا هر هیأت رئیسه دیگری بسیار روشن می‌بینم و به یاری خدای بزرگ یقین دارم در پایان این دوره ملت ما شاهد دستیابی به بسیاری از آمال و آرزوهای خویش خواهد بود. والسلام.^۲

نطق پیش از دستور

بسم الله الرحمن الرحيم

خواهران و برادران عزیز! سلام علیکم

با سلام به پیشگاه مقدس ولی عصر حجت ابن الحسن و نایب برحقش حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (حضار صلوات فرستادند) و با درود به روح مطهر و ملکوتی امام راحل و ارواح طیبه شهیدان اسلام.

یکی از وظایف مهم و اساسی مجلس شورای اسلامی نظارت بر حسن اجرای قوانین و روند اداره امور کشور و عملکرد وزیران و کارگزاران حکومت است. در این راستا نمایندگان محترم مردم در جلسه روز یکشنبه وزیر سابق راه و ترابری را مورد استیضاح قرار داده و پس از استماع سخنان موافقین و مخالفین و شخص جناب وزیر با دادن رأی عدم اعتماد وی را از سمت خویش عزل نمودند. در این رابطه لازم است نکاتی چند را همه ما مورد توجه قرار دهیم:

۱- اعمال وظیفه نظارتی مجلس که به اعتقاد اینجانب در شرایط کنونی مملکت ما از قانون‌گذاری مهم‌تر است تنها از راه استیضاح حاصل نشده، بلکه بایستی با دقت نظر و پیگیری امور و همکاری نزدیک دولت و مجلس به گونه‌ای عمل نمود که نیازی به کاربرد این حربه پیش نیاید.

۲- نظارت، محدود به وزراء و قوه مجریه نبوده بلکه به تمامی دستگاه‌ها و نهادهای حکومتی از جمله قوه قضائیه و خود مجلس هم بایستی تعمیم داده شود.

۳- یقیناً هیچکدام از نمایندگان از نفس استیضاح استقبال نکرده و از اعمال چنین حقی در حذف یک مسئول بلندپایه نظام خوشحال نبوده و نیستند.

۴- استیضاح، امروز و همیشه بایستی به عنوان ابزاری قوی و مطمئن در جهت اصلاح کژی‌ها و کاستی‌های مسئولین به کار گرفته شود و خدای ناکرده به اهرمی جهت اعمال سلیقه‌های سیاسی مبدل نگردد.

۵- موافقین و مخالفین استیضاح وزیر راه و ملت شریف ایران برخورد مجلس را برخوردی از سر دلسوزی و تعهد و در جهت تقویت پایه‌های مدیریت لایق و کارآمد و دفاع از حقوق مردم و سرمایه‌های ملی دانسته و بدانند که نمایندگان با هیچ دولتمرد و صاحب منصبی کینه و عداوت شخصی و طایفه‌ای نداشته، همانگونه که با هیچکدام هم عهد اخوت نبسته‌اند.

۶- اعمال یک اختیار قانونی از سوی نمایندگان مردم هرگز به معنای مخالفت با قوه مجریه و کارشکنی در انجام وظایف وزراء و اعضای هیأت دولت نبوده و اراده جمعی نمایندگان مجلس هفتم تعامل منطقی با دولت است.

۷- اعضای هیأت دولت بدانند نمایندگان مجلس برادران ایشان و در مسیر سازندگی و پیشرفت کشور یار و یاور آنان خواهند بود.

۸- از جناب حجت‌الاسلام والمسلمین خاتمی ریاست محترم جمهور تقاضا می‌نمایم وزیر جدید راه را از بین مدیران قوی، متعهد، کارآزموده، و توانمند انتخاب نموده و یقین بدانند که در چنین حالتی مجلس نهایت همکاری را با ایشان خواهند نمود.

۹- برخلاف تصور عده‌ای که نمایندگان مجلس هفتم را گروهی متفرق، ناهمگرا و فاقد برنامه منسجم سیاسی معرفی می‌نمودند و خصوصاً اخیراً دل به پراکندگی ایشان سپرده بودند رأی قاطع و یکپارچه روز یکشنبه به استیضاح، همدل و همگام بودن اکثریت نمایندگان را حول

محورهای اساسی دفاع از حقوق مردم، امنیت ملی و ارزش‌های انقلاب اسلامی اثبات نمود.

۱۰- غوغا سالاران سیاسی بدانند که نمایندگان مجلس در انجام وظایف قانونی خود بر خدا توکل نموده و در دفاع از حقوق ملت از جوسازی‌ها و فرافکنی‌ها نترسیده و هرگاه لازم بدانند از همه اختیارات خویش استفاده خواهند نمود. والسلام. (تعدادی از نمایندگان - احسنت)

نطق پیش از دستور

بسم الله الرحمن الرحيم

تأمین امنیت و برقراری عدالت دو وظیفه مهم و انکارناپذیر هر حکومتی و خصوصاً حکومت اسلامی است که در هیچ شرایطی از دوش دولتمردان و مسئولین حکومت بر زمین نهاده نخواهد شد. اموری همچون آموزش و پرورش، بهداشت و درمان، تولید و کشاورزی و سایر زمینه‌های مشابه در بسیاری موارد قابل واگذاری به بخش خصوصی بوده و نقش حکومت نظارت بر میدان عمل، وضع قوانین و مقررات و تنظیم روابط فی مابین بخش‌های مختلف است. اما امنیت و عدالت، دو مقوله کاملاً متمایز و منحصر به فرد بوده که هرگز قابل واگذاری به غیر حکومت نبوده و به تعبیری جزو وظایف حکومتی است و براساس نص صریح قرآن کریم «برقراری عدالت» فلسفه تشکیل حکومت اسلامی است و بالاتر، فلسفه بعثت انبیاء است. «ولقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط» تا بدین وسیله هدف نهایی خلقت عالم که همانا حرکت به سوی خداست تحقق یابد که «الی الله المصیر».

امنیت از یک‌طرف بستر ساز رشد و توسعه و لازمه تمامی حرکت‌های جمعی جامعه بشری است و فقدان آن همه دستاوردهای یک

حکومت را بر باد خواهد داد و عدالت، زمینه‌ساز برخورداری افراد یک جامعه از ثمره شیرین توسعه و پیشرفت و احساس رضایت همگانی از اقدامات حکومت و عمران و آبادی کشور است و از طرف دیگر عدالت در کمال خود به امنیت کامل می‌انجامد و امنیت نیز عدالت را شکوفا خواهد ساخت. بدین خاطر این دو از هم تفکیک ناپذیر بوده و خلل در یکی منجر به شکاف در دیگری خواهد شد. در این مجال کم و با این بضاعت اندک، اینجانب به خود اجازه ورود به بحث‌های فنی و دخالت در کار جامعه‌شناسان، حقوقدانان و فقهاء را نداده، بلکه سعی می‌نمایم به گوشه‌هایی از معضلات جامعه امروز خود در این دو موضوع اشاره نمایم:

۱- هم براساس تعالیم نجات‌بخش اسلام و هم بر مبنای قانون اساسی برآمده از آن عدالت اولین شرط حاکم اسلامی است و این برداشت که حکومت هم غیر از شخص حاکم بایستی عادل باشد به دور از منطق و انصاف نیست. بحمدالله در رأس حکومت ما ولی‌فقیه عادل حاکم است که سینه او مالا مال از عشق به عدالت و پیام‌های او مملو از تمجید و تحسین آن است، اما با این وجود و با وجود کارگزاران و مدیران لایق و عادل فراوان، ردپای بی‌عدالتی و یا حداقل بی‌توجهی به مبانی عدالت در رفتارهای حکومتی بعضی از سردمداران نظام ما به خوبی عیان است.

توزیع نامناسب ثروت، تنظیم روابط براساس مکتب و قدرت و میدان دادن به اطرافیان مترف را جز به ظلم به چه می‌توان تعبیر کرد؟ اشتباه نشود، حمایت از سرمایه‌های مشروع عین عدالت است چرا که به آبادی زمین و برخورداری خلق از نعمت‌های بیکران خدا می‌انجامد و از آنجا که همه مردم عقل معاش یکسان ندارند وجود تفاوت در سطح زندگی ایشان امری طبیعی است. اما آنچه مذموم است سرمایه محوری است و گردش امور بر مبنای خواست و اراده صاحبان ثروت به هر کجا که بینجامد هرگز

با فلسفه تشکیل حکومت عدالت محور اسلام همخوانی نداشته و برتر آنکه جهت‌گیری مسئولان نظام با این پدیده شوم، هماهنگی داشته باشد.

به علاوه اگر ثروت به مایه قرابت و فراقیت افراد از کارگزاران نظام تبدیل شود ایشان در چنگال دنیامداران گرفتار آمده و بناچار از قاطبه مردم جدا و از دردهای ایشان بی‌خبر و سپس پایه‌های حکومت را متزلزل خواهند ساخت و در چنین شرایطی هم عدالت خدشه‌دار خواهد گردید و هم امنیت که بر پایه حضور مردم تحقق می‌یابد از بین خواهد رفت. این کلام امیر سخن است و «وان افضل قره عین الولاة استقامه العدل فی البلاد و ظهور موده الرعه» که نیکوترین مایه خشنودی حکمرانان برپا داشتن عدل و دادگری در شهرها و آشکارساختن دوستی رعیت است.

لازم است باز هم تکرار نمایم که دفاع از سرمایه‌های مشروع و حمایت از سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی و تأمین امنیت آن و تضمین سود مقبول جزو وظایف دولت اسلامی است و گفتار من هرگز ناظر به توزیع فقر نیست، بلکه توزیع ثروت است و تا تولید و تجارت نباشد ثروتی برای توزیع وجود نخواهد داشت. مشکل در آنجاست که این ثروت، تعیین سمت و سوی گفتار و رفتار عمال حکومت را بنماید بجای اینکه حکمروایان به ثروت سمت و سو دهند.

۲- یکی از مایه‌های امنیت مردم ثبات در تأمین معیشت ایشان است که آنهم جز با تولید فراوان میسر نیست. افزایش روز به روز قیمت‌ها، تغییرات مداوم قوانین و مقررات، اتخاذ چنین روشی جز به اختلال در تولید مملکت و سرگردانی در نظام مصرف و نهایتاً روان‌پریشی مردم که از بدترین انواع ناامنی‌هاست منجر نخواهد شد؟ بی‌توجهی مسئولان قضایی به مفاسد اجتماعی و اقتصادی از جمله علل دیگر این ناامنی روانی است.

۳- یکی از جنبه‌های مهم امنیت خصوصاً در جامعه دینی ما امنیت

فرهنگی است. همه به مبانی اعتقادی مردم و هنجارشکنی‌های فکری و فرهنگی از جمله مصادیق بارز ناامنی روانی در جامعه است. این تصور که فقط مذهبی‌ها یا به تعبیری حزب‌اللهی‌ها از وضع موجود جامعه نگرانند اشتباهی بزرگ است. اولاً اکثریت قریب به اتفاق مردم مایه‌های مذهبی قوی داشته و علی‌رغم رفتارهای کلامی متضاد، از رعایت موازین اسلامی حمایت می‌کنند و ثانیاً حق آنان که خود ابزار این تهاجمند از اینکه مورد هجوم واقع شوند خشنود نخواهند بود. بنابراین جهت‌گیری مجلس، دولت و قوه قضاییه بایستی بر مبنای بازگشت به حدود الهی با رعایت ظرافت‌های مسأله باشد.

۴- یکی از مسائل مهم امنیتی ما خصوصاً در این ایام و شاید مهمترین آنان حفظ عزت و استقلال ملت و مملکت در بحث دستیابی به فناوری هسته‌ای است. امروزه در کشور ما کمتر کسی در حقانیت ایران اسلامی و زیاده‌خواهی دشمنان آن تردیدی به خود راه می‌دهد. بنابراین مستکبرین بدانند که ملت ما به هیچ گردنکشی باج نخواهد داد. ما هرگز از دشمنی با دیگران استقبال نکرده و «هل من مبارز» نمی‌گوییم و بر طبل جنگ هم نمی‌کوبیم و از چارچوب اعتدال خارج نخواهیم شد. اما گروه جنگ افروز بوش، بجاست بدانند که ما درس استقامت از شعب ابیطالب آموخته‌ایم و افتخارمان به غزوه احزاب است. بنابراین ما را از محاصره اقتصادی نترسانند، ما ایستاده‌ایم، محکم.

آمریکا و اروپا بدانند ما سوزش گلوله‌های اهدایی آنان را با گوشت و استخوان خود تجربه نموده‌ایم و سردی گازه‌های شیمیایی‌شان را بر پوست خود احساس کرده‌ایم.

بنابراین ما را از حمله نظامی نیز نترسانند که «ان الجهاد باب من

ابواب الجنة فتحه الله لخاصه اولیائه»^۴. (تعدادی از نمایندگان احست)

نطق پیش از دستور

تقدیم به ساحت مقدس ولیعصر امام زمان، ارواح طیبه شهدای اسلام، روح مطهر و ملکوتی امام راحل و سلامتی مقام معظم رهبری صلوات بفرستید (حضر صلوات فرستادند).

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم - بسم الله الرحمن الرحیم
جناب آقای خاتمی، ریاست محترم جمهور! من از اینجا به شما سلام عرض می‌کنم و برای آنچه که در این دوره هفت‌ساله نسبت به کشور انجام داده‌اید سپاسگزارم و برای شما در بعد از این هم آرزوی توفیق و سلامتی و موفقیت بیشتر دارم.

جناب آقای خاتمی! آنچه که در چند روز گذشته در خوزستان اتفاق افتاد شایسته ملت مسلمان ایران نبود. خوزستان سرزمین لاله‌های سرخ و شقایق‌های پرپر است. خوزستان سرزمین سختی‌ها و صلابت‌هاست، سرزمین همت‌ها و زین‌الدین‌هاست. خوزستان بازمانده از فهمیده‌ها و باقری‌ها و باقری‌هاست.

جناب آقای رئیس جمهور! من به شما ارادت قلبی داشته و دارم، اما از آنچه که در خوزستان اتفاق افتاد گلایه دارم. احساس ما این است که گروهی قصد دارند حساسیت‌های ملت ما را بسنجند. آنچه اتفاق افتاد به اعتقاد من به سه منظور بود:

۱- حساسیت سنجی ملت مسلمان ایران نسبت به ارزش‌های اسلامی خود.

۲- حساسیت‌زدایی از ملت و از ارزش‌های انقلاب.

۳- ایجاد جو تشنج و جو تحریک نیروهای معتقد و مقید به اسلام و انقلاب اسلامی.

جناب آقای خاتمی، هنرمندان عزیز، نویسندگان، شعراء و سینماگران! مطمئن باشید ما از هنر، از سینما، از قلم، از اندیشه، از تئاتر و از فرهنگ حمایت کرده و می‌کنیم و به هنرمندان و سینماگران عرض می‌کنم برای رفع گرفتاری‌های خود به مجلس هفتم امیدوار باشند، اما آنچه که ما در جشنواره تئاتر ایران زمین در خوزستان دیدیم با هنر، با منطق و با استدلال هیچ سنخیتی نداشت.

در جشنواره‌ای که بنام هنر ایران زمین برگزار می‌شود، دعوت از گروهی رفاقتی خارجی آیا به معنای حمایت از هنر است؟ آیا به معنای حمایت از سینماگران ماست؟ آیا به معنای پاس‌داشت فرهنگ بومی ماست؟ هرگز چنین نبوده و نیست. احساس ما این است که گروهی می‌خواهند با تحریک افکار عمومی، با تحریک نیروهای معتقد و با تحریک ملت مسلمان ایران، برای خود آب گل‌آلوده درست کرده و از آن ماهی بگیرند. احساس ما این است که گروهی می‌خواهند بگویند این گروه اصولگرایان با هنر مخالفند، با فرهنگ و تئاتر و سینما مخالفند. هرگز چنین نبوده و نیست و ما جایگاه ارزشمند هنر را در اشاعه فرهنگ ایرانی و هویت ایرانی - اسلامی ملت‌مان می‌دانیم و حمایت می‌کنیم. اما اعتقاد ما به این است که میدان دادن به لابی‌گری، به بی‌بند و باری، به فساد و به بین‌های مخالفت با شرع و اسلام، میدان دادن به هنر نیست. هنر را به معنای واقعی دریابیم و از سینماگران، کارگردانان، بازیگران تئاتر، نویسندگان، شعراء و موسیقی‌دانان خود حمایت کنیم، اما مانع اشاعه فساد بنام هنر شویم.

جناب آقای خاتمی! انتظار ما از حضرت عالی به عنوان یک سید روحانی والاتبّار این است که با برگزارکنندگان چنین مجالسی (رئیس - جناب آقای محمدصادقی! وقتتان تمام است) برخورد کنید که نیازی به

برخورد قضایی نباشد. این مدال افتخار را به سینه خود بزنید و بر مدال‌های قبلی بیفزایید که با مبارزین با شرع و دین مخالفید و با آنها برخورد می‌کنید. خود تصمیم‌بگیرید، قاطعانه و محکم و با قوت‌قلب و مسئولین مربوطه را بدست خود از کار برکنار کنید.^۵

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته. رئیس - خیلی متشکر

موافقت با حذف

بسم الله الرحمن الرحيم

عرض کنم واقعاً همین چیزی که آقای دکتر فرمودند یک مطلب مهمی است. عزیزان همکار توجه بفرمایید! بیمه مکمل در همه جای دنیا وجود دارد، یعنی این نیست که فقط خاص کشور ما باشد. این یک مطلب. دوم این است که تصور اینکه بیمه مکمل خاص مجلس یا ریاست جمهوری یا قوه قضاییه است، این هم اشتباه است. وزارتخانه‌های جهاد کشاورزی، آموزش و پرورش، دفاع، رفاه، نفت، نیرو، تمامی شهرداری‌ها، دادگستری، تمام سازمان‌های وابسته به ریاست جمهوری، بنیاد شهید، اطلاعات و فناوری و خیلی از دستگاه‌های دیگر و سازمان‌های مستقل از این بیمه استفاده می‌کنند. یعنی چیزی حدود (۳) یا (۴) میلیون نفر به اضافه خانواده‌هایشان از این بیمه دارند استفاده می‌کنند. حذف این بیمه یعنی ناراضی کردن تمام کسانی که از بیمه استفاده می‌کنند، این یک نکته.

نکته دوم این است، پولی که ما اینجا می‌خواهیم صرفه‌جویی کنیم اصلاً معلوم نیست. من از جناب آقای دکتر سبحانی پرسیدم این پول چقدر است؟ اصلاً ما پولی به نام بیمه مکمل نداریم که آقای دکتر رضایی فرمودند ما این پول را می‌خواهیم برای بیمه آدم‌های محروم بگذاریم. این پول تحت نام خدمات رفاهی دستگاه‌های مختلف هزینه می‌شود. بنابراین

اگر شما جلو آنرا بگیرید، یعنی فقط نارضایتی درست کرده‌اید. آنهم در این شرایط خاص سیاسی، همین آموزش و پرورش را که الان مشکل دارد، برای درمان آن هم مشکل درست کنیم، وزارت نیرو، وزارت نفت، وزارت دفاع و تمامی پرسنل بنیاد شهید، همه را می‌گوییم آقا کنار... یعنی عملاً یک عده ناراضی درست می‌کنیم، ضمن اینکه، هیچ کمکی هم به بخش بهداشت و درمان نمی‌کنیم.

مطلب بعدی این است که راه‌کار این نیست که ما بیاییم این را بگوییم بیمه مکمل حذف بشود. راه آن این است آنهایی را که بیمه مکمل ندارند یا بیمه نیستند، ما اینها را بیمه کنیم. آن دستگاه‌هایی مثل ریاست جمهوری، مثل قوه قضائیه، مثل مجلس یا جاهای دیگر را که عده‌های بیمه مکمل آنها بالاست، عده‌های آنها را پایین بیاوریم. بجای (۱۰) و (۱۱) بکنیم (۵) و (۶)، در عوض آن پولی را که صرفه‌جویی می‌کنیم، این را بیاوریم در محلی که افراد آسیب‌پذیر وجود دارند، پول را به اینها بدهیم و بیمه را درست کنیم. این دو مطلب.

مطلب بعدی این است، بجای اینکه ما به بیمه‌های مان سر و سامان بدهیم، تقویت پایه بیمه‌ای کنیم و در واقع توزیع ثروت کنیم، داریم توزیع فقر می‌کنیم. این اصلاً هیچ عدالتی نیست. بگوییم آقا! چون می‌خواهیم... حالا که ما نمی‌توانیم به کشاورز بدهیم، حالا که نمی‌توانیم به کارگر بدهیم، پس بیاییم مثلاً به کارمند وزارت نفت هم ندهیم، به کارمند وزارت راه هم ندهیم، به کارمند راه‌آهن هم ندهیم. این اصلاً نشدنی است، غلط است، اشتباه است و من خواهش می‌کنم عزیزان ما به حذف این بند رأی بدهید، منتها بعداً ما در کمیسیون بهداشت یا در کمیسیون اجتماعی و جاهای دیگر بایستی یک راه‌حل قوی و منطقی پیدا کنیم که براساس آن بتوانیم همه افرادی که تحت پوشش نیستند را هم تحت پوشش بیاوریم و

آنها را بیمه کنیم.

اینکه گفتند که ما (۷/۵) میلیون نفر افراد غیر تحت پوشش داریم، ما (۸۵) میلیون دفترچه داریم، یعنی (۱۵) میلیون دفترچه بیش از جمعیت کشورمان، این یعنی نابسامانی در وضع بهداشت و درمان. ما اینجا را بایستی درست کنیم. بجای اینکه آنجا را درست کنیم می‌گوییم خوب، این‌هایی را که دارند حذف کنیم.

در هر صورت من از عزیزان خواهش می‌کنم به حذف بند (۱) الحاقی تبصره (۱۵) رأی بدهند تا ان‌شاءالله ما بتوانیم در آینده یک طرح جامع و درستی را ارائه بدهیم، ممنونم.^۶

موافقت با فوریت

بسم الله الرحمن الرحيم

قضیه‌ای که اتفاق افتاده این است که در واقع دیوان عدالت حکم به غیرتخصصی کردن یک امر کاملاً تخصصی داده، یعنی کار دارو که همه مردم نسبت به آن بسیار حساس هستند و یک اشتباه کوچک در ارائه آن می‌تواند باعث مشکلات بسیاری برای بیماران بشود را به یک گروه غیر تخصصی واگذار کرده.

چیزی که باعث شده داروسازان معترض باشند این است که می‌گویند بعضی از افراد سرمایه‌دار یا پولدار، کسانی که امکان مالی دارند، می‌آیند در یک شهری مجوز احداث داروخانه می‌گیرند بعد مایل هستند به اینکه متخصص داروسازی براساس میل آنها رفتار بکنند. یعنی موارد متعددی دوستان داروساز به خود من یا دوستان ما در کمیسیون بهداشت و درمان مراجعه کرده‌اند، گفته‌اند ما دارویی را می‌خواهیم بصورت علمی ارائه

بدهیم، داروی تاریخ گذشته را مصرف نکنیم، به بیمار ندهیم، صاحب داروخانه به ما می گوید که آقا! من پولش را دادم، داروخانه مال من است تو برای آن تاریخ تعیین می کنی؟! بایستی تابع نظر من باشی! یعنی آن دکتر داروسازی که در داروخانه کار می کند مجبور است تابع یک سرمایه دار یا آدمی که وسع مالی دارد باشد، این اصلاً با مبانی علمی نمی خواند.

شما ببینید صحبتی که آقای ندیمی فرمودند به اینکه افراد متمکن را اجازه بدهیم که سرمایه شان را در یک امر تجاری بکار بگیرند، اصلاً امر تجاری نیست. در کارخانه داروسازی هر چقدر می خواهند سرمایه گذاری کنند، افراد غیر متخصص هم باشند هیچ مسأله ای نیست، اما اینجا بحث سرمایه گذاری نیست، بحث ارائه داروست، یعنی شما می خواهید دارو را در اختیار مردم بگذارید، می گوید هیچ اشکالی ندارد یک آدم پولدار اینکار را بکند. این اصلاً با موازین علمی نمی خواند. مثل این است شما بگویید یک شرکت مهندسی دایر بشود حالا مهندس هم نبود عیبی ندارد، یک پزشک برود مثلاً یک شرکت مهندسی دایر بکند و بعد به مهندسین بگوید شما بیاید اینکار را بکنید یا ما یک دفتر حقوقی در شهر دایر بکنیم بگوییم اشکال ندارد وکیل نباشد، قاضی نباشد، یک مهندس برود مثلاً دفتر وکالت راه بیندازد. چنین چیزی اصلاً علمی و درست نیست.

من فکر می کنم اگر ما یک چنین راهی را باز کنیم برای اینکه هر کسی وسعش می رسد یک کار علمی و تخصصی را باز انجام بدهد در بقیه زمینه ها هم قابل تعمیم است. دارو یک مسأله مهمی است و توجه به آن توجه به مبانی علمی قضیه است، توجه به سلامتی مردم است.

الان بسیاری از همکاران ما همان طور که جناب آقای دکتر شهریاری فرمودند ما به میزان کافی داروساز داریم، آدم متخصص داریم، این طوری هم نیست که وسع مالی آنها نرسد، خودشان به راه های مختلف می توانند با

کمک دولت یا با کمک بخش خصوصی سرمایه‌گذاری کنند و داروخانه دایر کنند و این را که می‌گوییم که نمی‌توانند، نه می‌توانند. حالا استثنائاً اگر در بعضی از مناطق محروم این اتفاق افتاد و واقعاً کسی نبود باز براساس تبصره همین ماده واحده افراد دیگری می‌توانند با هماهنگی وزارت بهداشت و با بکارگیری بعضی افراد داروساز بیایند و داروخانه احداث کنند. برای اینکه اگر واقعاً گیری در یک جای مملکت پیدا شد ما یک راهی برای آن گذاشته باشیم.

بنابراین خواهش من از عزیزان این است با توجه به این‌که الان وزارت بهداشت براساس حکم دیوان عدالت مجبور شده اینکه مجوز را به افراد متخصص هم بدهد و یک اتفاقی دارد می‌افتد که برای هیچکدام از ما خوشایند نیست خواهش من این است که به فوریت این رأی بدیم تا ان‌شاءالله جامعه ما به سمت علمی شدن بیشتر پیش برود، ممنونم.^۷

منابع و مأخذ :

-
- ۱- مذاکرات دوره‌ی هفتم مجلس شورای اسلامی، جلسه ۴، ص ۲۶.
- ۲- مذاکرات دوره‌ی هفتم مجلس شورای اسلامی، جلسه ۱۱، صص ۷-۸.
- ۳- مذاکرات دوره‌ی هفتم مجلس شورای اسلامی، جلسه ۳۷، صص ۵-۶.
- ۴- مذاکرات دوره‌ی هفتم مجلس شورای اسلامی، جلسه ۴۰، صص ۲-۳.
- ۵- مذاکرات دوره‌ی هفتم مجلس شورای اسلامی، جلسه ۵۶، صص ۷-۸.

۳۳- مذاکرات دوره‌ی هفتم مجلس شورای اسلامی، جلسه ۹۰، صص ۳۲-

۳۳.

۱۲-۱۳. مذاکرات دوره‌ی هفتم مجلس شورای اسلامی، جلسه ۱۲۵، صص

۱۲-۱۳.

کازرون و نمایندگان منتخب

(جلد اول)

از استقرار جمهوری اسلامی تا مجلس هفتم

تألیف: غلامرضا دهقان ناصر آبادی

<http://namayandeh.kazeroon.net>

email:dehghan@kazeroon.net